

تاریخ فلسفه‌ی راتلج

جلد پنجم
ترجمه‌ی علی معظمی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فلسفه‌ی بریتانیایی
و عصر روشنگری

ویراستار: استوارت براون

فهرست

- پیش گفتار جلد پنجم ۷
- پیش گفتار ویراستاران اصلی ۹
- درباره‌ی نویسندگان ۱۳
- گاه‌شمار ۱۷
- مقدمه / استوارت براون ۶۱
- لرد هربرت چربوری و افلاطونیان کمبریج / سارا هاتن ۹۱
- علم و فلسفه‌ی بریتانیایی: بویل و نیوتن / جی. راجرز ۱۲۷
- لاک: دانش و محدودیت‌هایش / یان تیتون ۱۶۷
- نظریه‌ی سیاسی لاک / یان هریس ۲۰۹
- جورج برکلی / دیوید برمن ۲۵۳
- هیوم و فهم بشری / آن یاپ یاکوسون ۲۹۹
- هیوم: فلسفه‌ی اخلاق و سیاست / روزالیند هورستهاوس ۳۴۵
- اخلاق‌گرایان قرن هجدهم بریتانیا شافسبری، باتلر و پرایس / دیوید مک‌ناوتن ۳۸۳
- روشنگری فرانسوی بخش نخست: علم، مادی‌گرایی و جبرگرایی / پتر یماک ۴۲۳

۶ تاریخ فلسفه

- ۴۶۱ روشنگری فرانسوی بخش دوم: دنیسم، اخلاقیات و سیاست / پتر یماک
- ۴۹۷ روشنگری اسکاتلندی / ام. استیوارت
- ۵۴۷ روشنگری آلمانی و فلسفه‌ی بریتانیایی / مانفرد کوون
- ۵۷۹ جامباتیستو ویکو / آنتونیو پرز - راموس
- ۶۰۹ روسو و برک / یان هریس
- ۶۴۹ واژه‌نامه
- ۶۶۵ نمایه

لرد هربرت چربوری و افلاطونیان کمبریج

سارا هاتن

فلسفه‌ی لرد هربرت چربوری^۱ (۱۶۴۸ - ۱۵۸۲/۳) و افلاطونیان کمبریج نمونه‌ای از پیوستگی‌های اندیشه‌ی قرن هفدهم با فلسفه‌ی رنسانسی است. در عین حال، این فیلسوفان بسیار درگیر تحولات جدید فلسفه در قرن هفدهم بودند. به علاوه آن‌ها نماینده‌ی بسط فلسفه به خارج از سنت ارسطویی به شمار می‌آیند. و هر کدام یکی از وجوه آن چیزی را روشن می‌کنند که بعداً تبدیل به مشخصه‌های درهم‌تنیده‌ی فلسفه‌ی قرن هفدهم شدند: یعنی عرفی بودن این فلسفه و استفاده از زبان‌های بومی به عنوان زبان گفتار فلسفی. لرد هربرت چربوری گرچه باز هم به زبان لاتین می‌نوشت که زبان مشترک^۲ تبادل فکری بود، اما به فلسفه‌ی عرفی اشتغال داشت. افلاطونیان کمبریج همگی دانشگاهی بودند، با وجود این به زبان انگلیسی می‌نوشتند.

لرد هربرت چربوری

لرد هربرت چربوری را به طور معمول در گروه خاص خودش دسته‌بندی

1. Lord Herbert of Cherbury

2. lingua franca

می‌کنند؛ به عنوان فیلسوفی که از گروه‌بندی‌های فلسفی قرن هفدهم جدا بود. او نه پیرو مکتبی بود و نه مؤسس مکتبی. شهرت فلسفی او به خاطر رساله‌ی معرفت‌شناسانه‌اش با عنوان *دی وریات^۱* (درباره‌ی حقیقت) است (که در ۱۶۱۷ آغازش کرد و در ۱۶۲۴ منتشر شد)، و اثرش درباره‌ی فلسفه‌ی دین *دی رلیجیونه لیزی^۲* (درباره‌ی دین غیرروحانیون) برمی‌گردد (که به همراه سومین ویراست *دی وریات* در ۱۶۴۵ منتشر شد). در نوشتن این آثار او همان اندازه که به دنبال مسالمت‌جویی مذهبی بود می‌خواست با مشکل شکاکیت نیز رودررو شود. هربرت چربوری در اروپا سفر کرد و از ۱۶۱۹ تا ۱۶۲۴ سفیر انگلستان در فرانسه بود، او بی‌شک از تماسش با روشنفکران اروپایی — گروسیوس^۳، تیله‌نوس^۴، کازائوبون^۵، و به طور مشخص حلقه‌ی مرسن^۶ — بهره برده بود. در حقیقت ترجمه‌ی فرانسوی *دی وریات* به مرسن نسبت داده شده است.^۷ هربرت با گاسندی آشنا بود و ظاهراً دکارت را هم شخصاً می‌شناخته است (دکارت نسخه‌ای از *تأملات* خود را به هربرت داده بود (1.60) و هربرت نیز به ترجمه‌ی *گفتار در روش* دکارت به زبان انگلیسی اقدام کرده بود). هم دکارت و هم گاسندی به درخواست هربرت یا مرسن درباره‌ی دومین ویراست *دی وریات* اظهارنظر کردند.^۸

دی وریات آمیزه‌ای است از عناصر رواقی، نوافلاطونی و ارسطویی، که بر مبنای تمثیل جهان صغیر و جهان کبیر رنسانسی در مقایسه میان انسان و جهان پی ریخته شده است: تمثیلی که می‌گوید برای هر چیز قابل‌دانستنی در جهان قوای در ذهن آدمی هست. هیچ چیزی را بدون این قوای ذهنی نمی‌توان فهمید.

1. *De veritate* 2. *De religione laici* 3. Hugo Grotius (*Hugeianus De Groot*)
4. Tilenus 5. Isaac Casaubon 6. Marin Mersenne

۷. نگاه کنید به [1.11]. درباره‌ی نسبت دادن این ترجمه به مرسن نگاه کنید به: [1.65].

۸. نگاه کنید به نامه‌ی دکارت به مرسن به تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۶۳۹:

Correspondence du P. Marin Mersenne, ed. C. de Waard, Paris, 1963, vol. 8, p. 549-52. P. Gassendi, *Ad librum D. Edoardi Herberti angli de veritate epistola*, in *Gassendi Opera*, Lyon, 1658, vol. 3, pp. 411-19.

دانش حقیقی مشتمل بر سازگاری میان قوای ذهنی و موضوعات دانش است. «حقیقت هماهنگی‌بی است میان اشیا و قوای مربوط به آن‌ها» ([1.34], 148). هربرت در عین حال که بر امکان دست یافتن به دانش یقینی تأکید دارد، محدود بودن دانش بشری را می‌شناسد، و قبول می‌کند که همه‌چیز را نمی‌توان دانست. هربرت چهار طبقه از حقایق را از هم متمایز می‌کند: حقیقت شیء فی‌نفسه (*وریتاس ری^۱*)، حقیقت ظاهر (*وریتاس اپارنتیا^۲*)، حقیقت مفاهیم (*وریتاس کانسپتوس^۳* یا حقیقت ذهنی)، و حقیقت عقل (*وریتاس اینتلکتوس^۴*)، که هر کدام بنابر ماهیت خود می‌تواند حقیقتی را فراچنگ آورد. قوای اصلی ذهن عبارت‌اند از: غریزه‌ی طبیعی، ادراک درونی (معادل اراده یا آگاهی)، ادراک بیرونی (معادل حواس) و تفکر گفتاری (عقل). هربرت در بالا و ناظر به این قوا مفاهیم مشترک حاضر در ذهن را قرار می‌دهد، تصوراتی که به «حکم طبیعت» در نفس درج شده‌اند ([1.34], 106). این *کوینای اینسای^۵* (هربرت از اصطلاح رواقی برای «مفاهیم مشترک» استفاده می‌کند) اصولی هستند که بدون آن‌ها اصلاً تجربه‌ای نخواهیم داشت ([1.34], 132). تقدیر الهی این مفاهیم مشترک را در ذهن جا داده است. در حقیقت این مفاهیم بخش مهمی از تصویر خدا در انسان را می‌سازند. و حقیقت آن‌ها مورد تصدیق عموم است.

در میان قوای ذهنی غریزه‌ی طبیعی از همه بالاتر است و می‌تواند حقیقت را به طریق شهودی و با یقین مطلق دریابد. عقل یا اندیشه‌ی گفتاری (دیسکورسوس^۶) از همه‌ی قوا پایین‌تر است، بیش از همه به خاطر کاربرد ناصحیح در معرض خطاست، ولی هنگامی که در هماهنگی با مفاهیم مشترک درست به کار گرفته شود ارزشی بی‌حساب خواهد داشت. عقل باید با کاربرد مجموعه‌ای از قواعد یا «زته‌تیکا»، هدایت شود، که بی‌شبهت به مقولات ارسطویی نیستند، و به عقل کمک می‌کنند که مفاهیم مشترک را تشخیص دهد

1. *veritas rei* 2. *veritas apparentiae* 3. *veritas conceptus*
4. *veritas intellectus* 5. *koinai ennoiai* 6. *discursus*